



جهان اسلام و تحليل مؤلفه های قدرت بالقوه آن

محمد شهیر معصومی^۱، دکتور نقیب الله کامل^۲

^{۱،۲}د دیپارتمنت عقیده و فلسفه پوهنځی شرعیات پوهنتون کابل - کابل، افغانستان

ایمیل: Shaheer.masomy@gmail.com

چکیده

در بسیاری از مطالعات معاصر، عمدتاً جهان اسلام از منظر بحران‌ها، چالش‌ها و تهدیدها تحلیل شده و ظرفیت‌های ساختاری و عوامل توانمند ساز آن کمتر به صورت نظام‌مند بررسی گردیده است. این تحقیق با هدف تبیین مؤلفه‌های قدرت بالقوه‌ی جهان اسلام و ارائه‌ی چارچوبی تحلیلی از منابع ژئوپولیتیکی، جمعیتی و ثروت طبیعی آن انجام شده است. اهمیت تحقیق در شناخت جایگاه مرکزی این حوزه‌ی تمدنی، در پرتو ظرفیت‌های بالقوه‌ی آن نهفته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های آماری گردآوری و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که وسعت جغرافیایی پیوسته، موقعیت ستراتیژیک در گذرگاه‌های بین‌المللی، ذخایر طبیعی انرژی و معادن، جمعیت جوان و ظرفیت‌های متنوع تولیدی و کشاورزی و سابقه تمدنی بشری، جهان اسلام را در موقعیتی ممتاز قرار داده است؛ به‌گونه‌ی که وحدت، همگرایی و مدیریت کارآمد این ظرفیت‌ها می‌تواند که امت اسلامی را به یک قدرت جهانی مبدل سازد.

واژه‌های کلیدی: امت اسلامی؛ تمدن؛ قدرت بالقوه، جهان اسلام؛ ساختار جمعیتی، منابع طبیعی؛ وحدت

The Islamic World and Analysis of Its Potential Power Components

Mohammad Shahir Masomi^{1*}, Naqeebullah Kamil²

^{1,2}Department of Theology and Philosophy, Faculty of Sharia, Kabul University – Afghanistan

Email: Shaheer.masomy@gmail.com

Abstract

In many contemporary studies, the Islamic world has been primarily examined through crises and challenges, while its structural capacities and enabling factors remain underexplored. This study aims to identify the components of the Islamic world's potential power and provide an analytical framework of its geopolitical, demographic, and economic resources. Using a descriptive-analytical method and library and statistical sources, the research finds that the Islamic world's continuous geographic expanse, strategic location along international routes, energy and mineral resources, youthful population, diverse productive and agricultural capacities, and rich civilizational heritage create significant potential. Effective management of these resources, along with unity and cohesion among Muslim communities, can transform the Islamic Ummah into a globally influential power.

Keywords Islamic Ummah; Civilization; Potential Power; Islamic World; Demographic Structure; Natural Resources; Unity

ارجاع: معصومی، م. ش. و کامل، ن. (۱۴۰۴). جهان اسلام و تحلیل مؤلفه‌های قدرت بالقوه آن. *ژورنال علمی-تحقیقی علوم*

اجتماعی-پوهنتون کابل (۴) ۸۶-۵۹. <https://doi.org/10.62810/jss.v8i4.449>

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيد المرسلين، وعلى آله وأصحابه أجمعين. أما بعد:

اصطلاح «جهان اسلام» که در دهه‌های اخير رواج يافته و قبلاً به نام بلاد يا ملل اسلامي ياد مي‌گردد، طبق برداشت‌های متفاوت علمي، حقوقي و فقهی تعريف شده، از منظر جغرافيايي، جهان اسلام از شمال افريقا و شبه جزيره عربستان تا آسياي ميانه، شبه قاره هند و جنوب شرق آسيا گسترده است و شامل بخش‌هایی از اروپا و آمريکا نيز مي‌شود (الواعي، ۱۴۰۰ ش، ص ۱۱) به اساس رويکرد حقوقي؛ جهان اسلام به آن سرزميني اطلاق مي‌شود که دين اسلام به عنوان دين رسمي در اصول و قوانين آن کشور ذکر شده باشد (صفوي، ۱۳۸۷ ش، ص ۵۷). و طبق رويکرد فقهی، جهان اسلام همان دار اسلام مي‌باشد (الخصاص، ۱۴۳۱، ج ۷ ص ۲۱۷). به اساس تعريف سازمان همکاري‌های اسلامي، جهان اسلام و يا کشورهای اسلامي، به تمامی کشورهایي گفته مي‌شود که عضو سازمان همکاري‌های اسلامي باشد (مير ترابي، ۱۳۹۰، ص ۲۹۲).

امتیاز جهان اسلام نه تنها در وسعت سرزميني و جمعیتی آن است، بلکه به دليل موقعیت ژئوپلیتيک و دسترسي به منابع طبيعي، انرژی و آبراه‌های بين‌المللی، از جایگاه استراتژيک ویژه‌ای در روابط جهانی برخوردار است. سر زمین اغلب کشورهای اسلامي توانمندی‌ها و فرصت‌های بالقوه‌ای دارد که در صورت بهره‌برداري مناسب مي‌تواند جهان اسلام را به یکی از نواحی قدرتمند و تأثیرگذار جهانی تبدیل کند. (الواعي، ۱۴۰۰ ش، ص ۱۷-۱۸). از سوی دیگر، تحقیقات علمي موجود غالباً جهان اسلام را از منظر بحران‌ها و عقب‌ماندگی‌ها بررسی کرده و کمتر به تحليل جامع مؤلفه‌های قدرت بالقوه و توانمندساز آن و راه حل مناسب فعلیت آن پرداخته است. از این رو، مسئله‌ی اساسی این تحقیق این است که عوامل توانمند ساز بالقوه‌ی جهان اسلام را به بحث گیرد.

اهمیت این تحقیق را می‌توان در نکات ذیل خلاصه نمود: از اینکه تحقیقات و درسنامه‌ها حاضر عمدتاً جهان اسلام را عمدتاً از منظر چالش‌ها تهدیدها، نابسامانی‌ها و ضعف‌های ساختاری مورد بررسی قرار داده و مؤلفه‌های قدرت بالقوه‌ی آن را در حاشیه قرار داده است. این رويکرد سبب می‌شود تا تصویری متوازن و واقع‌بینانه از جایگاه جهان اسلام ارائه نشود. لهذا تحليل منسجم و جامع از شناخت جهان اسلام و عوامل توانمند ساز آن و ارائه‌ی چشم‌انداز آینده، هنوز نیازمند تحقیق و تأمل عمیق است و نوشتار حاضر تلاشی کوچکی است برای معرفی جهان اسلام با تأکید بر ظرفیت‌ها و عناصر توان بالقوه‌ی آن است. و از سوی دیگر تحقیق حاضر با بررسی جهان اسلام از دیدگاه‌های مختلف (جغرافيايي،

جمعیتی، تاریخی، فرهنگی، فقهی و حقوقی) به تعریف دقیق و علمی قلمرو مسلمانان و تنوع آن‌ها می‌پردازد که موجب درک بهتر هویت و قلمرو جهان اسلام می‌شود و راه حل کارا جهت فعلیت این توانمندی‌ها را بیان می‌دارد.

اهداف این تحقیق میتوان در نکات ذیل برشمرد:

۱. درک دقیق امکانات و عوامل توانمند ساز بالقوه جهان اسلام؛
۲. تعریف دقیق جهان اسلام و تقسیم بندی آن با رویکردهای متفاوت علمی؛
۳. اینکه نوشته حاضر سرآغاز کار تحقیقات علمی هدفمند و مشارکت فعال دانشمندان و محققان شود تا با شناخت ظرفیت‌ها، امکانات و امتیازات جهان اسلام، در همگرایی، وحدت و همبستگی امت اسلامی مفید واقع گردد؛
۴. تشخیص راه حل به فعلیت در آوردن این توانمندی‌ها.

سوال اصلی تحقیق حاضر قرار ذیل است:

۱. ظرفیت‌های طبیعی، انسانی، و جغرافیایی جهان اسلام کدام اند؟
۲. اصطلاح جهان اسلام چگونه تعریف می‌شود و کدام کشورها فعلا جزء آن تلقی می‌شود؟
۳. ظرفیت‌های بالقوه چه نقش کلیدی در توانمندی جهان اسلام دارند؟
۴. فعلیت یافتن این توانمندی بالقوه چگونه میسر است؟

مبادی نظری

در این بخش نوشته حاضر می‌خواهم پیرامون مصطلح جهان اسلام و موضوعات مرتبط به مثل دار اسلام، دار حرب، دار عهد، دار مسلوبه، دار بدعت، دار بغی؛ فرق بین امت و جهان اسلام و تقسیم بندی جهان اسلام به رویکردهای متفاوت با استفاده از آثار محققان، جهت ورود به اصل موضوع بیان می‌کنیم:

شرح مفاهیم مرتبط به جهان اسلام

اصطلاح جهان اسلام که در چند دهه‌ی اخیر زیاد رواج یافته به لحاظ مفهومی پیشینه طولانی دارد؛ و در گذشته، به جهان اسلام اصطلاحات چون بلاد اسلامی، ملل اسلامی و دول یا ممالک اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت. (میر ترابی، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۳).

در دانشنامه‌ی جهان اسلام آمده: جهان اسلام منطقه‌ی مشتمل بر مجموعه فضای پیوسته از کشور مغرب در افریقا شمالی تا شبه قاره‌ی هند و آسیای مرکزی و از قزاقستان تا مشرق افریقا و چند قسمت

نا پیوسته در جنوب و جنوب شرقی آسیا و اورپا و حوزه های کوچک مسلمان نشین جهان می باشد. (حداد و دیگران، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۱ ص ۴۵۱).

این تعریف به رویکرد موقعیت جغرافیایی قلمرو کشور های اسلامی شده، مگر نظر به سابقه ی تاریخی بسط و قبض جغرافیایی قلمرو اسلامی، شرایط متغیر سیاسی و اجتماعی حاضر و وجود اقلیت های رو به تزاید؛ جامع و مانع نیست.

بعضی از دانشمندان به این نظر هستند که کشور های اسلامی، امروزه به سرزمین های اطلاق می شود که مذهب رسمی آن اسلام و اکثریت سکنه ی آنها (بیش از ۵۰ درصد) مسلمان باشند. تعریف مذکور با اینکه با مصطلح داراسلام متقارب و نزدیک است اما عضویت کشورها در سازمان همکاری های اسلامی به اساس این معیار نیست، زیرا در سازمان مذکور بعضی از کشور های عضویت دارند که حتی تنها در حدود ۱۸ درصد کل جمعیت آن کشورها پیرو اسلام می باشد مثل کشور کامرون با (بیش از ۱۷ درصد مسلمان) از جمله ی کشور ثبت شده در سازمان همکاری اسلامی است. (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

یکی از معیارهای تعریف جهان اسلام رویکرد حقوقی یا حقوق اساسی حاکم بر این کشورها است؛ طبق این رویکرد و معیار، هرگاه دین اسلام به عنوان دین رسمی در نظام حقوقی یک کشور به صراحت ذکر شده باشد، می توان آن کشور را بخشی از جهان اسلام دانست. (صفوی، ۱۳۸۷ ش، ص ۵۷). اما از آنجاییکه تنها تصریح به رسمی بودن دین اسلام در قانون اساسی نمی تواند تأثیری در نوع رژیم سیاسی داشته باشد، از این خاطر بعضی از حقوق دانان ترجیح می دهند که حاکمیت اسلام و تطابق قوانین وضعی با احکام اسلام را به عنوان معیار اسلامی بودن یک کشور بدانند.

مگر مشکل این تقسیم بندی هم آن است که در قانون اساسی عده ی از کشور های اسلامی، اسلام به عنوان منبع حقوقی به صراحت ذکر نشده و حتی صبغه ی اسلامی در نظام سیاسی آن به اندازه ی کم رنگ است که اطلاق عنوان اسلامی بر آنها خالی از اشکال نیست.

به همین دلیل میتوان کشورهای اسلامی را از نظر رژیم سیاسی حاکم بر آنها قرار ذیل گروه بندی نمود:

۱. کشور های که نظام سیاسی آنها با گرایش اسلامی هستند.
۲. کشورهای که نظام سیاسی آنها با گرایش سوسیالیستی است.
۳. کشور های که در نظام سیاسی آنها بنیاد ناسیونالیستی بیشترین نقش را دارا می باشد.

۴. کشور های که دارای رژیم های غرب گرا و باگرایش لیبرالیسم سرمایه داری هستند. (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۵۸).

اما باید توجه داشت که حقوق اساسی اکثر کشور های اسلامی به مفهوم جدید آن در شرایطی شکل گرفته است که این کشورها یا تحت اشغال نظامی یا در زیر فشار استعمار به سر می برده اند از این رو نمی توان که مخالفت نظام سیاسی یک کشور با احکام اسلامی یا عدم تصریح بر رسمی بودن دین اسلام در قانون اساسی آن کشور ها، ملاک برای بیرون شدن آنها از جهان اسلام دانست.

رویکرد فقهی برای تعریف جهان اسلام: در فقه اسلامی دار اسلام و تقسیمات دیگر فقهی دیگر ذکر شده که ذکر آن جهت معرفی جهان اسلام خالی از فایده نیست.

دار اسلام: اکثریت فقهاء در تعریف دار اسلام تصریح می کند که: دار اسلام سرزمینی است که در آن حاکم مسلمان حکمرانی می کند، احکام اسلامی آزادانه اجرا و اهل آن دیار با آرامش خاطر و امنیت کامل بدون خوف به اجرای احکام اسلامی پرداخته بتوانند. این تعریف را موسوعه ی فقهی کویتی در ج ۲۰ ص: ۲۰۲ با ذکر حواله از بدائع الصنائع ذکر کرده است. (الکاسانی، ۱۹۸۶م، ج ۷ ص ۱۳۰-۱۳۱).

امام جصاص^۲ در کتاب شرح مختصر الطحاوی می گوید: « حکم دار اسلام وابسته به ظهور و غلبه و نیز اجرای احکام دین اسلام در آن است. دلیل بر درستی این دیدگاه آن است که هرگاه مسلمانان بر سرزمین دارالحرب غلبه پیدا کنند و احکام اسلامی را در آن جاری سازند، آن سرزمین به داراسلام تبدیل می شود؛ خواه با دار اسلام هم مرز و متصل باشد یا نباشد. پس به همین قیاس، هر شهری که از قلمرو دار اسلام باشد نیز چنین حکمی دارد. (الجصاص، ۱۴۳۱، ج ۷ ص ۲۱۷).

از توضیح فوق چهار قید به دار الاسلام برداشت می شود:

۱. حاکم بودن مسلمانان بر آن سرزمین؛
۲. اجرای احکام اسلام در تمامی عرصه ها زندگی بدون خوف و محدودیت؛
۳. امنیت جانی و مالی ساکنان آن سرزمین ولو که غیر مسلمان هم باشند؛
۴. ثبوت امن علی الاطلاق برای مسلمانان باشد و غیر مسلمان تحت شرایط اهل ذمه و مستأمن در نظام سیاسی اسلام، زندگی نمایند.

شیخ ابو زهره در کتاب «روابط بین الملل در اسلام» می نویسد: دار الاسلام سر زمینی یا کشوری را گویند که در آن مسلمانان حاکمیت داشته، و دارای شوکت و قوت باشند. (ابو زهره، ۱۴۱۵هـ، ص ۵۶).

در این تعریف هم شرایط ذکر شده که به اتفاق فقهاء برای دار اسلام شرط است که آن عبارت اند از:

۱. حاکمیت در آن سرزمین طبق شریعت الله متعال باشد؛
۲. شریعت الهی در آن سرزمین برتر و مسلمانان دارای شوکت و قوت باشند؛
۳. در همه عرصه‌ها شریعت اسلامی تطبیق گردد و هیچ مجالی به قانون خلاف احکام اسلام رهبری نشود.

مگر این تعریف هم خالی از اشکال نیست؛ زیرا که بر اساس آن می‌بایست هر کشوری که بیشتر مردم آن مسلمان باشند و احکام و شعائر اسلامی نیز در آن اجرا شود، ولی حاکمیت آن به دست مسلمانان نباشد، باید از دایره‌ی دارالاسلام بیرون دانست و کشورهای اسلامی که توسط کفار اشغال شده باشند در حین اشغال دارالاسلام محسوب نشود و این چیزی است که بسیار مشکل است فقیهی به آن پای بند شود.

برای رهایی از این مشکل فقهای اسلامی می‌گویند که سرزمین مسکونی به اعتبار حاکمیت اسلام یا عدم حاکمیت اسلام در آن تنها به دارالاسلام و دار کفر تقسیم نمی‌شود بلکه اقسام دیگری نیز دارد که ذیلاً جهت معلومات دار حرب، دار عهد، دار بغی، دار بدعت و دار مسلوبه یا مغضوبه را به معرفی می‌گیریم:

دار حرب: منظور از دار حرب سرزمینی است که با مسلمانان در جنگ قرار داشته باشد یعنی با دولت اسلامی بجنگند و بین ایشان و مسلمانان دشمنی وجود داشته باشد و به قصد ریشه کن کردن و نابودی مسلمانان لشکر و امکانات فراهم نموده، بر علیه شان اقدام نماید و اعلان جنگ کند. (الواعی، ۱۴۰۰ ش، ص ۲۸).

دار عهد: منظور از دار عهد در اسلام، سرزمینی است که میان باشندگان آن و مسلمانان از ابتداء پیمان صلح وجود داشته باشد یا این که بعد از آغاز جنگ، مسلمانان ایشان را میان امضای معاهده یا قبول اسلام و یا جنگ مخیر گردانیده باشند و آنها انعقاد پیمان را با شروط خاصی ترجیح داده باشند. (ابو زهره، ۱۴۱۵ هـ، ص ۵۸).

از اینکه امروز کشورهای جهان عضو سازمان ملل متحد می‌باشند و هر کدام شان التزام خویش را به قوانین و مقررات آن ابراز نموده اند، لذا حکم اسلام در این مورد این است که باید کشورهای اسلامی بر اساس عمل به قانون وفا به عهد - که در قرآن کریم وجود آن تأکید شده - به کلیه‌ی معاهدات و التزامات خویش پایبند و وفادار باقی بمانند؛ بنا براین کشورهای که در این سازمان جهانی عضویت دارند، دار الحرب تلقی نمی‌شوند، بلکه حکم دارالعهد را دارا می‌باشند. (ابو زهره، ۱۴۱۵ هـ، ص ۶۰).

دار مسلوبه: منظور از آن سرزمین‌های هستند که زمانی در دست مسلمانان بوده و اسلام در آنها حاکمیت داشته است، اما به مرور زمان مسلمانان ضعیف شدند و اختلافات میان شان بوجود آمدند به این اساس کفار و دشمنان اسلام توانستند آن سرزمین‌ها را از دست مسلمانان بیرون کنند، اینها مناطقی اند که برای بازپس‌گیری آنها جهاد واجب است مانند فلسطین اشغال شده. (الواعی، ۱۴۰۰ ش، ص ۳۲). و (الهریدی، ۲۰۱۰ م، ص ۸).

دار بدعت: در عصر- حاضر سرزمین‌های اسلامی ای را می‌شناسیم که احکام و قوانین آن بر اساس احکام دین مبین اسلام، جاری نیست بلکه ممالک خویش را بر اساس قوانین وضعی اداره می‌کنند و یا هم نظام‌های هستند که با شیوه‌های معروف در سرزمین‌های غیر اسلامی کشور‌های شانرا رهبری می‌کنند چنین سرزمین‌های بی به نام دار بدعت شناخته می‌شوند. (الواعی، ۱۴۰۰ ش، ص ۳۲).

دار بغی: دار بغی عبارت از سرزمین‌های اسلامی هستند که تعدادی از مسلمانان آنرا جدا کرده باشند، اینان کسانی هستند که از اطاعت امام و رهبر بر حق بنا به حجتی که خودشان انرا صحیح می‌دانند خارج شده باشند. (ابن الهمام، ج ۶ ص ۹۳-۹۴).

از مجموع معلومات فوق‌الذکر معلوم می‌شود که هرگاه کدام کشور یکی از معیار‌های زیر را داشته باشد، می‌توان آنرا در جمله کشور‌های اسلامی محسوب نمود:

۱. اعتقاد اکثریت (بیشتر از ۵۰ فیصد) مردم کشور به مبانی اعتقادی و دین مبین اسلام؛
۲. تصریح به رسمیت دین مبین اسلام در قانون اساسی و نظام عدلی به عنوان دین رسمی کشور؛
۳. تعهد به اجرای احکام دین مبین اسلام در پالیسی دولت؛
۴. قانونگذاری به اساس مصادر شریعت اسلامی بویژه قرآن و سنت؛
۵. اظهارات رسمی مسؤولان در مورد تلاش برای استقرار نظام اسلامی؛
۶. شرط مسلمان بودن مسؤولان سطح بالا و مقامات بلند پایه‌ی کشور؛
۷. آوردن اصل حاکی از اجرای احکام اسلامی، توسط دولت؛ در قانون اساسی یا نظام حقوقی؛
۸. رعایت شعائر اسلامی توسط اکثریت مردم بدون خوف؛
۹. رعایت اصول خلافت یا امامت و بیعت در انتخاب امیر؛

می‌کنند؛ برای مثال، کشورهایی که در سراسر جهان محل سکونت اقلیت‌های غیر بومی مسلمان هستند و هم چنین سرزمین‌هایی که محل سکونت اقلیت‌های کوچک مسلمان بومی هستند، جزئی از جهان اسلام به شمار نمی‌آیند، ولی جزئی از امت اسلامی محسوب می‌شوند. بنابراین مفهوم امت اسلامی به دلیل وابستگی عقیدتی و ایدیولوژیکی همه‌ی مسلمانان جهان، شامل کلیه‌ی مسلمانانی می‌شود که در سراسر جهان به طور بومی یا غیر بومی و اقلیت یا اکثریت زندگی می‌کنند. (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۵۵).

به اساس تعبیر فوق‌الذکر، امت اسلامی بیانگر و معرف‌هویت تمامی مسلمانان است که در هر نقطه و مکانی زندگی می‌کنند، که اعتقادات مشترک آنها نسبت به الله واحد، پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و کتاب آسمانی قرآن مجید و دستورات و احکام الهی، این جمعیت عظیم را علی‌رغم اختلافات نژادی، قومی، زبانی و جغرافیایی به یکدیگر پیوند می‌دهد. اما منظور از جهان اسلام هویت جغرافیایی و سرزمینی مسلمانان است که در آن زندگی می‌کنند و احکام اسلامی را در آن تطبیق می‌نمایند.

در قرآن کریم، هویت مشترک مسلمانان بر محور عقیده‌ی اسلامی و اصل ولاء و براء تعریف شده است. این هویت واحد، در قالب مفهوم «امت» تجلی یافته؛ مفهومی که بیانگر یگانگی در ایمان، دین و اتفاق در اعتقاد است. کلمه «امت» در کلام الهی حدود پنجاه بار به صورت مفرد و یازده بار به صورت جمع به کار رفته است که نشان‌دهنده‌ی جایگاه بنیادین آن در کلام الهی می‌باشد. با تأملی اجمالی در آیات قرآن مجید، روشن می‌گردد که امت اسلامی دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌های مشخص و متمایزی است که به چند ویژه‌گی آن ذیلاً اشاره می‌کنیم:

۱. امت اسلامی یک پارچه و متحد است، زیرا از منظر قرآن نقطه مشترک و هویت اساسی مسلمانان همان عقیده و ایمان به الله جل جلاله است طوریکه الله متعال می‌فرماید: **إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ** [الأنبياء: ۹۲] (ترجمه: هر آینه این است دین شما یک دین و من رب شمایم پس پرستش کنید مرا).
۲. امت اسلامی بهترین امت است؛ طوریکه الله متعال می‌فرماید: **إِنَّكُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ** [آل عمران: ۱۱۰]. (ترجمه: هستید شما بهترین تمام امم که برون آورده شده برای مردم، امر می‌کنید بکار پسندیده و نهی می‌کنید از کار ناپسند و ایمان می‌آورید به خدا).

بهتری این امت به اساس ایمان و به خاطر نفع رساندن به مردم است زیرا این امت مسؤول اصلاح تمام جوامع بشری است و بخش از آیت «أُخْرِجْتُ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». همین معنا را میرساند.

امت اسلامی، امت میانه رو و معتدل است طوری که الله متعال می فرماید: اَكْذَلِكْ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا [البقرة: ۱۴۳] (ترجمه: و همچنین (که شما را هدایت دادیم) گردانیدیم شما را امت معتدل (مختار)).

۳. میانه روی امت اسلامی برخاسته و برآمده از معتدل بودن نظام و احکام این دین می باشد، چرا که اسلام عزیز برنامه‌ی الهی است برای امتی متعادل و میانه رو؛ روش اعتدال و توازن و به دور از افراط و تفریط در تمامی عرصه‌ها از قبیل اعتقادات، عبادات و شعائر دینی، اخلاق، قانونگذاری، هماهنگی میان فردگرایی و جامعه گرایی و اعتدال میان روحگرایی و مادیگری در آن واضح و متبلور است. (القرضاوی، ۲۰۰۳، ص ۱۲۳-۱۴۳).

تقسیم بندی کشورهای اسلامی

با توجه به گستردگی قلمرو جهان اسلام، تقسیم بندی های متفاوتی در ارتباط با این جهان مطرح شده است که مهمترین آنها تقسیم بندی به معیارها و رویکردهای جغرافیا، جمعیت، تمدن و تاریخ می باشد و ذیلاً به آن اشاره می شود:

تقسیم بندی جغرافیایی جهان اسلام: طبق این رویکرد، جهان اسلام به چهار منطقه ذیل تقسیم می شود:

۱. مرکز جهان اسلام که در حقیقت گهواره‌ی جهان اسلام به شمار می آید و شامل کشورهای چون عربستان، ترکیه، افغانستان، ایران، عراق و سایر کشورهای عربی است.
۲. غرب جهان اسلام که شامل کشورهای آفریقایی مانند مصر، الجزایر و مراکش و سایر کشورهای اسلامی آفریقایی و برخی مناطق اورپایی مانند اندلس یا اسپانیای امروزی و البانیه می باشد.
۳. شمال جهان اسلام که شامل کشورهای فرارود در آسیای مرکزی می شود مانند آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و.. می باشد.
۴. شرق جهان اسلام که شامل پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی و .. می شود. (ابو الفضلی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۳).

از لحاظ جغرافیا می‌توان که جهان اسلام را با معیار قرار دادن قاره‌ی نیز تقسیم بندی نمود به این اساس می‌توان کشور های اسلامی آسیایی را دریکجا و کشور های قاره‌ی افریقا در گروه دیگری و سایر کشور های اسلامی را در بخش دیگری مورد بررسی قرار داد. (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۵۶).

یکی از امتیازات موقعیت جغرافیایی جهان اسلام این است که در وسط جهان در چهار قاره‌ی قدیم یعنی: آسیا، افریقا اروپا و امریکای جنوبی قرار دارد، و آب و هوای متنوع آن که شامل مدارهای مختلف می‌شود سبب توازن و تکامل آن گشته است و با بسیاری از دریاها و اقیانوس ها راه دارد و مهمترین، طولانی ترین و پر آب ترین رودخانه های جهان، تنگه های که مسیرهای تجارت بین المللی به شمار می‌رود و نهرهای معروف و مشهور؛ در مناطق اسلامی و در جهان اسلام قرار دارد. (الواعی، ۱۴۰۰ش، ص ۱۰-۱۱). (الهریدی، ۲۰۱۰م، ص ۱۶).

تقسیم بندی تمدنی و فرهنگی جهان اسلام: تمدن اسلامی تمدنی است با شکوه که زیربنا های آن به آیات الهی و سنت نبوی و مجموع دین مبین اسلام بنیان نهاده شده و در نشر دین معزز اسلام بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم، یاران با وفای شان بخصوص خلفای راشدین رضوان الله عنهم اجمعین، تلاش زیادی کردند و باگذشت زمان توسط مسلمانان به اطراف و اکناف جهان معرفی شد.

یکی از مزیت های تمدن اسلامی این است، که از انعطاف پذیری خوب برخوردار است، طوری که هر انسانی پیرو هر تمدنی باشد، می‌تواند ضمن حفظ بسیاری از دستاوردهای مادی خود، تمدن اسلام را نیز بپذیرد و با استفاده از آن، عیبها و نقایص تمدنی خود را برطرف و جبران نماید؛ از سوی دیگر، تمدن اسلامی نیز از سایر تمدن‌ها بهره جسته و در بخش های فلسفه، نجوم شناسی، علوم طبیعی، دارو شناسی، طب و سیستم اداری از دست آورد های مثبت تمدنهای فارس، هند، روم و یونان استفاده کرده است. (صمیم، ۱۳۹۴ش، ص ۱۸۶-۱۸۷).

با توجه به خصوصیت سازگاری تمدن اسلامی با خوبی های سایر تمدنها؛ جهان اسلام به چندین واحد تمدنی و فرهنگی تقسیم بندی می‌شود که عبارت اند از: حوزه‌ی شرقی، حوزه‌ی شبه قاره‌ی هند، حوزه‌ی جهان مالایایی، حوزه‌ی مسلمانان اروپا و سایر مناطق غربی که مسلمانان در آن زیست دارند. (میر ترابی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۰۲).

الف) حوزه‌ی شرقی: حوزه شرقی کهن ترین بخش مدنیت بشری و مهد فرهنگی جهان و مهمترین حوزه‌ی تمدن جهان اسلام است، به همین خاطر مورد توجه خاص دانشمندان غرب بوده و به منظور شناخت فرهنگ، علوم، دین، رسوم و آداب این حوزه‌ی رشته‌ی خاصی را به نام شرق

شناسی یا اشتقاق ایجاد نمودند. در این حوزه سه شیوه زیستن (شهری، روستایی و کوچیگری) رایج است و از خاطر گستردگی به چهار منطقه‌ی فرهنگی کوچک تقسیم می‌شود.

۱. منطقه‌ی عربی: که شامل تمامی کشور های عرب زبان است.
 ۲. منطقه‌ی فارس و خراسان قدیم: که شامل سرزمین افغانستان، ایران، تاجیکستان و برخی از مناطق ازبکستان می‌باشد.
 ۳. منطقه‌ی ترک زبان: این منطقه شامل همه جاهایی است که مردم آن غالباً به زبان های آلتایی سخن می‌گویند. که مهمترین ای زبان‌ها عبارت اند از: ترکی، چیچنی، اویغوری، ازبکی، قرقیزی و ترکمنی). مردمان این منطقه در اصل صحرائشینان کوهستان های آلتایی هستند که پس از حرکت به سمت غرب تا اناطولی پیش رفتند و بعدها در تاریخ اسلام، امپراتوری عثمانی را پایه‌گذاری کردند. وسعت جغرافیایی این حوزه از مقدونیه تا سبیری و بعضی نواحی شرق الاوسط است.
 ۴. منطقه‌ی آفریقایی سیاه: این منطقه از اتیوپی در شرق افریقا گرفته تا مالی و سنگال در غرب آفریقا امتداد دارد و دارای مناطق فرعی با زبان های مستقل می‌باشد.
- ب) حوزه‌ی شبه قاره‌ی هند: این حوزه شامل پاکستان، بنگلادش، و مسلمانان هند، نپال و سریلانکا است، در این منطقه زبان های محلی چون اردو، سندھی، گجراتی، پنجابی، بنگالی معروف است، برخی از بزرگترین جلوه های هنر و فرهنگ اسلامی توسط آنها پدید آمده است.
- ج) حوزه‌ی مالایی: این حوزه در جنوب شرق آسیا قرار دارد و شامل کشورهای اندونزی، مالزی، بروئی و اقلیت های تایلند، فلیپین، کامبوج، و ویتنام است.
- د) حوزه‌ی اروپا: این حوزه شامل سرزمین های آلبانی، کوزوو، مقدونیه و بوسنی است که ساکنان آن اکثراً از نژاد اروپایی هستند؛ مسلمانان کشورهای اروپایی و امریکا با مجموعه‌ی از اقوام، زبانها و تنوع فرهنگ‌ها مختلف ملحق می‌شود. (میر ترابی، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۰۵).
- تقسیم بندی جمعیتی جهان اسلام:** یکی از معیار های تقسیم بندی جهان اسلام توزیع جمعیت مسلمان در مناطق جغرافیایی کشورهای اسلامی است، چون جمعیت مسلمان در جهان بر حسب مناطق جغرافیایی چندان متوازن نیست، از این خاطر گروه بندی به وسیله جمعیت نیز آنقدر منطقی به نظر نمی‌رسد.

پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی اندونزی است که در حدود ۲۳۸ میلیون تن مسلمان دارد و کم‌جمعیت‌ترین کشور مسلمان مالدیف است که تعداد سکنه‌ی آن تا حدود چهار صد هزار تن می‌رسد. (صفوی، ۱۳۸۷، ش، ص ۸۷).

طبقه‌بندی کشورهای اسلامی به اساس کثرت جمعیت به شش کتگوری ذیل مرتب می‌شود:

۱. کشورهای که بیش از ۱۰۰ میلیون تن مسلمان دارد و شامل سه کشور، اندونزی، پاکستان و بنگلادش می‌باشد.
۲. کشورهای که بیش از ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تن مسلمان دارد و شامل چهار کشور، نیجریه، مصر، ایران و ترکیه می‌باشد.
۳. کشورهای که بیش از ۲۵ تا ۵۰ میلیون تن مسلمان دارد و شامل هشت کشور، سودان، مراکش، عراق، عربستان سعودی، جزایر، افغانستان، ازبکستان و اوگاندا می‌باشد.
۴. کشورهای که ۱۰ تا ۲۵ میلیون تن مسلمان دارد و شامل ده کشور، مالزی، یمن، موزامبیک، ساحل عاج، کامرون، قزاقستان، بورکینافاسو، مالی، نیجر، و سنگال می‌باشد.
۵. کشورهای که بیش از ۵ تا ۱۰ میلیون تن مسلمان دارد و شامل سیزده کشور، تونس، چاد، گینه، سومالی، آذربایجان، بنین، تاجکستان، ترکمنستان، اردن هاشمی، لیبی، قرقیزستان، توگو و سیرالئون می‌باشد.
۶. کشورهای که کمتر از ۵ میلیون تن مسلمان دارد و آن عبارت از نوزده کشور ذیل است: فلسطین، البانی، لبنان، عمان، امارات متحده عربی، سوریه، موریتانی، کویت، قطر، گامبیا، گابن، گینه بیسائو، بحرین، کومور، گویان، جیبوتی، برونی، سورینام و مالدیف. (بختیاری، ۱۳۹۷، ش، ص ۹۹-۱۱۱) و (میر ترابی، ۱۳۹۰، ش، ص ۱۰۰-۱۰۱).

۴- تقسیم‌بندی تاریخی جهان اسلام: یک رویکرد به تقسیم‌بندی جهان اسلام همان تاریخ‌گسترش اسلام در مناطق مختلف است، نشر دین مبین اسلام در بخش‌های وسیعی از جهان، نتیجه علل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تمدنی، است؛ ولی یکی از مهمترین وقوف‌ترین علل و عوامل پیشرفت اسلام عبارت است از زحمات طاقت‌فرسای مبلغین اسلامی است که با پیروی از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم؛ خود را در راه نشر اسلام و دعوت به این دین مصروف داشتند و می‌دارند.

به اساس تاریخ گسترش اسلام طی قرون متمادی، می‌توانیم که سرزمین و جغرافیای اسلام را به چهار بخش عمده تقسیم نماییم:

۱. قلمرو جهان اسلام در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم، شامل سرزمین عربستان تا یمن بود.
۲. قلمرو جهان اسلام در عصر خلفای راشدین رضی الله عنهم: در عصر ایشان جهان اسلام تا افریقا و اروپا گسترش نمود، طوریکه در دوران خلافت راشدین حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه تمامی جزیره العرب و قسمتی از عراق و هم زمان قسمتی از شام یعنی حمص و دمشق فتح و در دوران خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله تمامی بلاد شام (اردن، سوریه، فلسطین و لبنان) مصر و ایران و در دوران خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه مراکش، طرابلس، اندلس و خراسان که کشور عزیز ما هم قسمتی از خراسان بود؛ جزء قلمرو جهان اسلام گردید. (لکنوی، ۱۴۳۷ هـ، ص ۶۶، ۱۲۰-۱۳۰ و ۱۶۰).
۳. قلمرو اسلام در عصر امویان: در عصر خلافت اموی جهان اسلام بیشتر توسعه یافت و کشور های شمال افریقا مثل مراکش، الجزائر، تونس و لیبی و اندلس پرتغال امروزی جزء قلمرو جهان اسلام گردید. (افندی، بی تا، ص ۸۰-۱۱۰).
۴. گسترش قلمرو اسلام توسط دعوتگران اسلامی در عصر خلافت عباسیان، عثمانیان و بعد از آن تا کنون به اکناف جهان، که کشور اندونزی، مالزی، مالدیف، گویان و سورینام از نمونه های توسعه قلمرو جهان اسلام در این دور است. (افندی، بی تا، ص ۱۱۳-۲۸۲). و (اسلام نیا، ۱۳۹۶، ص ۶۳۹، ۶۴۱ و ۶۴۳) و (میر ترابی، ۱۳۹۰ ش، ص ۹۷).

در تحقیقات معاصر مناسب ترین تقسیم بندی به رویکرد جغرافیایی است و اکثریت تحقیقات علمی پیرامون کشورهای اسلامی به همین تقسیم بندی مبتنی است و نوشتار حاضر هم به همین رویکرد مبتنی است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه تحلیلی-توصیفی است که با مطالعه منابع اسلامی، حقوقی، تاریخی و جغرافیایی بررسی گردیده و تمرکز اصلی تحقیق بر تحلیل ظرفیت های جهان اسلام است.

اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ی انجام شده که شامل منابع تخصصی در حوزه‌ی فقه اسلامی، روابط بین الملل، اندیشه‌های سیاسی اسلام، مقالات و گزارش‌ها آماری و تحلیلی مرتبط به جهان اسلام، مورد مراجعه قرار گرفته است. و برای تبیین مبانی هویتی مشترک و وحدت امت اسلامی از آیات متبرکه قرآن کریم و سنت نبوی نیز بهره گرفته شده است.

اطلاعات گردآوری شده قرار ذیل دسته بندی گردیده:

نخست مبانی نظری مقاله از قبیل تعریف جهان اسلام بر اساس رویکردی‌های متفاوت، از قبیل رویکرد جغرافیایی، فقهی و حقوقی بیان گردیده و فرق میان جهان اسلام و امت اسلامی بیان، سپس تقسیمات جهان اسلام به اساس رویکردهای جغرافیا، جمعیت، تمدن و تاریخ به بحث گرفته شده.

در قدم دوم یافته‌های تحقیق (مؤلفه‌های توان بالقوه‌ی جهان اسلام) در شش کتگوری تحلیل شده. سپس راه حل به فعلیت در آوردن این توانمندی‌ها بیان گردیده است. در اخیر یافته‌های تحقیق مناقشه شده و نتیجه‌گیری با پیشنهادات نیز جزء نوشتار حاضر می‌باشد.

معلومات و اطلاعات تحقیق حاضر از روش تحلیل کیفی و رویکرد استدلال منطقی بررسی شده.

در انتخاب منابع تلاش شده تا از مراجع معتبر علمی و جدید استفاده شود، از منابع سابقه دار جهت تبیین مبانی نظری و تاریخی مفاهیم استفاده به عمل آمده و منابع و گزارش‌های جدید برای تحلیل وضعیت معاصر و عوامل توانمند ساز جهان اسلام بهره بردیم.

پراگندگی و نبود مراجع علمی جهت بدست آوردن آمارهای مربوط به کشورهای اسلامی، تفاوت دیدگاه‌های فقهی، حقوقی، تاریخی و سیاسی قلمرو جهان اسلام و نبود دسترسی به منابع جدید از محدودیت‌های تحقیق حاضر بوده.

یافته‌ها

جهان اسلام، ظرفیت بی نظیری از توانمندی‌ها و استعداد‌های انسانی و طبیعی دارد و جغرافیای قلب جهان را در اختیار دارد که بحیث گذرگاه و پول ارتباطی بین سه قاره (آسیا، افریقا، و اروپا) تلقی می‌شود. (حران، ۱۴۲۲هـ، ص ۹).

جغرافیای بی نظیر جهان اسلام به شکل مستطیلی از سواحل اقیانوس اطلس و شمال افریقا تا آسیای میانه، جنوب غربی آسیا، بخش بزرگی از هند، بنگلادش، و کشورهای جنوب شرق آسیا و در حقیقت بخش عمده‌ای از قاره‌های آسیا، افریقا و نیز بخشی از اروپا را شامل می‌شود.

این وسعت مناسب جغرافیایی، موقعیت ویژه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را به کشورهای حوزه جهان اسلام بخشیده است، به طوری که مهمترین گذرگاه های عبور مورد احتیاج و نیاز جهان مانند تنگه های هرمز، باب المندب، مالاکا، بسفر، داردانل و کانال سوئیس، خلیج عمان، همگی در قلمرو جهان اسلام قرار دارد؛ غنی ترین ذخایر انرژی در مقیاس جهانی در جهان اسلام است (الواعی، ۱۴۰۰ هـ، ص ۱۰).

جهان اسلام اگر از داشته های خود به گونه لازم و مناسب استفاده کند می تواند به حیث یک ناحیه قدرتمند در جهان باشد اما متأسفانه به دلیل عدم آگاهی نسبت به ظرفیت های موجود، تعصبات کور و اختلافات مذهبی، قومی، سرزمینی، نژادی و نیز جمود فکری، فاصله گرفتن از احکام شریعت اسلام، ترک جهاد، دنیا طلبی برخی از حکام کشورهای اسلامی، منفعت طلبی قدرت های استعماری، دخالت های نامشروع و سیاست های خصمانه آن ها در قبال کشورهای اسلامی با مشکلات فراوانی همراه است (الندوی، ۱۴۴۴، ص ۲۰۵-۲۱۰). و ممکن توانمندی های که بعداً ذکر می شود اندکی دور به نظر برسد، مگر واقعیت این است که ما با داشته های زیاد، فقیر، و با داشتن ابزار قدرت زیاد، ناتوان هستیم؛ در اینجا است که مسؤولیت حکام، دانشمندان، جوانان و همه امت اسلامی بزرگتر می شود تا بیدار شوند و از امکانات موجود خود در تقویت وحدت و همگرایی بهتر استفاده کرده و به هویت اصلی شان برگردند. در این بخش می خواهیم پیروامون برخی از مؤلفه های بالقوه توانمندی جهان اسلام به عنوان یافته های تحقیق حاضر به منظور آرمان آینده آن ذیلاً پردازیم:

وسعت جغرافیایی جهان اسلام: وسعت سرزمینی یک از شاخص های مهم توانمندی تلقی می شود و جهان اسلام در برگیرنده ای محدوده وسیعی است که به شکل مجموعی مساحت آن نزدیک به ۳۵ میلیون کیلومتر مربع می باشد و حدود ۲۳ درصد از مجموع خشکی های جهان را در بر میگیرد و حدود سه برابر قاره ای اروپا است که این وسعت بسیار بزرگ و می تواند در بین بزرگترین مناطق جهان، از لحاظ مساحت اول باشد. (الواعی، ۱۴۰۰ هـ، ص ۱۰-۱۱).

از بین ۵۷ کشور اسلامی، ۴۷ کشور دارای مرزهای مشترک هستند و روشن است که مرزهای مشترک فرصت های عالی برای وحدت، افزایش مبادلات تجاری، همکاری در زمینه توسعه، انرژی و تکنولوژی فراهم می آورد. (راه نجات، ۱۳۹۸، ص ۲۶).

جهان اسلام بخش های وسیعی از قاره های آسیا و آفریقا و بخش های کوچکی از قاره ای اروپا و آمریکا را شامل می شود، خشکی، کم آبی، گرمای نسبتاً زیاد، شوری خاک و تنوع محیط جغرافیایی از جمله ویژگی های سرزمین های اسلام است، به طوری که بخش عظیمی از قلمرو جهان را سرزمین

های بیابانی خشک و بدون جنگل تشکیل می‌دهد مگر بخش بیابانی فقیر نیست بلکه غنی از نفت، گاز و معادن زیر زمینی است.

به لحاظ وسعت بزرگترین کشورهای اسلامی در دو قاره‌ی آسیا و آفریقا قرار دارند که از لحاظ مساحت قزاقستان، الجزایر و عربستان سعودی به ترتیب بزرگترین کشورهای جهان اسلام است و مالدیف، برونی و بحرین دارای کوچکترین مساحت در میان کشورهای اسلامی می‌باشند. (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۷۴).

بین شرقی‌ترین و غربی‌ترین حد جهان اسلام حدود ۱۳ ساعت اختلاف زمان وجود دارد، غربی‌ترین کشور عضو سازمان همکاری‌های اسلامی کشور گویان در شمال آمریکایی جنوبی و شرقی‌ترین آن کشور اندونزی واقع در جنوب شرق آسیا است؛ شمالی‌ترین کشور قزاقستان واقع در آسیای مرکزی و جنوبی‌ترین کشور اسلامی موزابیک در جنوب قاره‌ی آفریقا است. (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۷۲).

خط استوا که محدوده‌ی کشورهای اسلامی را به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم کرده است به طور مستقیم از کشورهای اندونزی، سومالی، اوگاندا و کابن می‌گذرد که در شرایط اقلیمی این کشورها بسیار مؤثر است.

از آنجا که خط استوا از میان تعدادی از کشورهای اسلامی می‌گذرد، این مناطق دارای آب و هوای گرم و مرطوب هستند و مناطق جنگلی آن‌ها زیاد است، از جمله کشور اوگاندا، اندونزی، برونی، ساحل عاج، الجزایر، آلبانی از مناطق مشهور به جنگلات در جهان می‌باشد و سایر کشورهای جهان اسلام چون بنگلادش، پاکستان، ایران و افغانستان و... نیز تاحدودی جنگلات دارد.

در میان کشورهای جهان اسلام اندونزی، مالدیف و کومور، موقعیت مجمع‌الجزایری دارد و کشور های قطر و بحرین دارای موقعیت شبه جزیره ای می‌باشد و کشور های مثل افغانستان، بورکینافاسو، چاد و مالی در خشکی محصور بوده و به آب‌ها آزاد راه ندارند.

در جهان اسلام مهم‌ترین و بلندترین رشته‌ی کوه‌ها مثل کوه اطلس در مراکش، کوه پامیر و سلسله جبال هندوکش در افغانستان، تاجکستان، سلسله کوه های هیمالیا و قراقوم در پاکستان و بنگلادش موجود می‌باشد که در شرایط اقلیمی و سرچشمه های آبی این کشورها بسیار مؤثر است. (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۷۵).

بیابان‌ها و صحراها در سیمای طبیعی جهان اسلام بسیار مشهود است و صحراهای مشهور و اکثرا گرم و سوزان در کشور های مصر، لیبی، سودان، الجزایر، نیجر، موریتانی، مالی، تونس، عربستان سعودی، ترکمنستان و افغانستان قرار دارد که برای انرژی آفتابی بسیار مهم تلقی می شود.

این وسعت جغرافیایی و جمعیت بزرگ در صورتی به یک قدرت بالفعل در جهان مطرح خواهد شد که در راه بیداری اسلامی و یکپارچگی گام های استوار بردارند و از تفرق و براگندی که قوی ترین دلیل ضعف مسلمانان است عبور منسجم و آگاهانه نمایند.

دسترسی کشور های اسلامی به آب های آزاد جهان: اکثر کشور های اسلامی در نقاطی واقع شده اند که به آب های آزاد جهان دسترسی دارند و به دریا ها، خلیج ها و تنگه های مهم اشراف دارند. (المصری، ۱۹۹۶م، ص ۲۶).

○ اقیانوس های مهمی که کشورهای اسلامی به آب های آن دسترسی دارند و داد و ستد تجارتي از طریق کشتی ها در آن می کند عبارت اند از:

- اقیانوس اطلس.

- اقیانوس هند.

- اقیانوس آرام.

آب های جهان به پنج اقیانوس نام گذاری شده که به ترتیب وسعت عبارت اند از اقیانوس آرام، اقیانوس اطلس، اقیانوس هند، اقیانوس منجمد شمالی و اقیانوس منجمد جنوبی. طوریکه گفتم برخی کشور های اسلامی به سه اقیانوس مهم یا همجوار و یا هم قریب هستند و اکثر مناطق جهان اسلام از دو اقیانوس منجمد (شمالی و جنوبی) دورتر می باشد و این بعد در واقع امتیاز و برتری برای جهان اسلام است نه نقیصه آن؛ زیرا دانشمندان دریافته اند که گرمایش زمین سبب خواهد شد که کوه های یخی اقیانوس منجمد شمالی و جنوبی با گذر زمان آب خواهد شد و سرزمین های نزدیک و همجوار آن در آسیب های گرمایش زمین قرار دارد. (المصری، ۱۹۹۶م، ص ۲۸).

○ دریا هایی که کشورهای اسلامی بر سواحل آن واقع شدند عبارت اند از: دریای مدیترانه در شمال آفریقا و غرب آسیا، دریای سیاه در شمال ترکیه و دریای مرمره در شمال غرب این کشور، دریای سرخ یا بحر احمر در عربستان سعودی و آفریقای شرقی، دریای عمان در جنوب ایران، دریای آدریاتیک در غرب آلبانی، دریای کارئیب در شمال کشورهای سورینام و گویان، دریای چین جنوبی در شرق مالزی و دریای اندامان در غرب این کشور. (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۷۸).

۱. خلیج‌های مشهور سرزمین‌های اسلام عبارت‌اند از: خلیج عربی یا خلیج فارس، خلیج عدن در جنوب یمن، خلیج گینه در غرب آفریقا، خلیج بنگال در جنوب بنگلادش، خلیج اسکندریه در شمال مصر، خلیج سرت در شمال لیبی، خلیج تونس در شرق تونس، خلیج اسکندرون در جنوب ترکیه و خلیج کامبیا در غرب ترکیه. (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۸۱).

۲. تنگه‌های معروف که مسیرهای کوتاه بحری و دریایی از یک قاره به قاره‌ی دیگر یا از یک کشور به کشور دیگر است و کشتی‌های داد و ستد و نقل واردات و صادرات از آن عبور می‌کند مشهورترین آن در جهان اسلام واقع است. (الاسکندرانی، ۲۰۱۸م، ص ۳).
و به برخی تنگه‌های مهم قرار ذیل اشاره می‌کنیم:

باب المندب: تنگه باب المندب بین کشورهای یمن و جیبوتی واقع است و دریای سرخ را با خلیج عدن و در نتیجه به اقیانوس هند ارتباط می‌دهد. است (الاسکندرانی، ۲۰۱۸م، ص ۳).
تنگه‌ی جبل طارق: این تنگه دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس پیوند می‌دهد و در جنوب کشور هند واقع شده که یکی از پر رفت و آمدترین آبراهه‌های میان آب‌های جهان است که روزانه در حدود ۱۵۰ کشتی از آن عبور می‌کند. (حران، ۱۴۲۲هـ، ص ۱۸-۱۹).

کانال سویس: در شمال شرق مصر-که دریای مدیترانه و دریای سرخ را به هم وصل می‌کند و بهترین آبراه صادرات و واردات منطقه‌ی آسیای جنوبی و کشورهای خلیج عرب به ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی است و سریع‌ترین مسیر کشتی‌رانی بین اروپا و آسیا است طوریکه کشتی‌های تجارتهای از بندرهای قاره‌ی اروپا و آمریکا به سمت بندرهای جنوب شرق، آسیا، شرق آفریقا و کشورهای اقیانوسیه از همین کانال رفت و آمد می‌کند و این کانال یکی از منابع اصلی در آمد کشور مصر- تلقی می‌شود. (الاسکندرانی، ۲۰۱۸م، ص ۳).

تنگه هرمز: این تنگه خلیج عربی و دریای عمان را باهم وصل و دومین تنگه بین‌المللی شلوغ دنیا است و تجارت نفت خام بیشتر از این آبراه به بازارهای آسیا، ایالات متحده و اروپای غربی می‌شود است (الاسکندرانی، ۲۰۱۸م، ص ۳).

تنگه داردانل: که رابط میان دریای سیاه و دریای مرمره است و تنگه بسفر که حد فاصل میان دریای سیاه و مرمره است. (المصری، ۱۹۹۶م، ص ۲۸).

○ دریاچه‌های معروف سرزمین‌های اسلامی عبارت‌اند از: دریاچه آرال در شمال غرب ازبکستان، دریاچه ایسیک کول در شمال قزاقستان، دریاچه خزر در شمال ایران و دریاچه ارومیه در شمال غرب ایران، دریاچه وان در شرق ترکیه، دریاچه ویکتوریا در جنوب شرق اوگاندا و دریاچه چاد در بین کشورهای چاد، نیجریه و نیجر در آفریقا. (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۷۹).

در کشورهای جهان اسلام، رودخانه‌های پرآب و منابع آب شیرین نیز وجود دارد که نقش مهمی در زراعت دارنداز جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به رود جیحون (آمو) و سیحون (سیردریا)، رود قره‌سو (فرات) و دجله، رود لیطانی، رود کابل و هلمند، رودهای گنگا و براهماپوترا، و رودهای نیل، نیجر، سنگال و گامبیا اشاره کرد. این رودخانه‌ها از مهم‌ترین منابع آب شیرین محسوب می‌شوند و عامل کلیدی توسعه کشاورزی و اقتصادی در جهان اسلام هستند. (صفوی، ۱۳۸۷ ش، ص ۸۱).

این موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیک می‌تواند که در صورت وحدت امت مسلمه و بازگشت به هویت مشترک شان؛ ممکن است که جهان اسلام را به توانمند مبدل سازد.

جمعیت کشورهای اسلامی: شکی نیست که جمعیت انسانی از شاخص‌های مهم توانمندی‌های کشورها و مناطق محسوب می‌شود و در سال ۲۰۱۸ جمعیت کل جهان ۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تن برآورده شده که از جمله ۱،۷۹ میلیارد نفر جمعیت کل کشورهای اسلامی ارزیابی شده است یعنی اینکه در حقیقت جمعیت مسلمانان کشورهای اسلامی ۲۳،۸ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. (راه نجات، ۱۳۹۸ ش، ص ۲۴).

آنچه که حایز اهمیت است میزان و تعداد جمعیت جوان است که در اصل به عنوان موتور محرک توسعه از آنها یاد می‌شود و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی بالاترین میزان با مقایسه با کل جهان در جمعیت جوان دارد. جمعیت جوان با کشورهای جهان اسلام کمک خواهد که در صورت اتحاد و همگرایی به توسعه اقتصادی و اجتماعی هر چه زودتر دست یابد. (SESRIC)، (۱۳۹۷ ش، ص ۱).

صنعت پیشرفته رابطه مستقیم با جمعیت جوان و کار فهم دارد، مواد خام و رأس المال هم از عناصر مهم تولید صنعتی تلقی می‌شود که جهان اسلام دو عنصر-اولی آنرا به حد کافی در اختیار دارد و رأس المال کافی هم در اختیار جهان اسلام است مگر با تأسف که از خاطر جمود فکری و سلطه غربی و سیاست ناسالم، در بانک‌های اورپا و امریکا گذاشته شده (جریشه، ۱۹۸۹ م، ص ۳۴). اکنون گرچند که اکثریت کشورهای اسلامی صنعتی محسوب نمی‌شود، اما اگر به شیوه همگرایی، وحدت و یکپارچگی سیستماتیک، جمعیت جوان مدیریت شود بدون شک که به نتایج ملموس دست خواهد یافت.

از نظر صنعتی امروز برخی کشورهای اسلامی مانند ترکیه، مالیزی، اندونیزی به سطح جهان صنعتی محسوب می‌شوند که با رویکرد همگرایی بیشتر سبب توسعه و رفاه خواهند شد. (اسلام‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۸۳۰).

توزیع جمعیت در کشورهای اسلامی غیر متناسب و ترکیب نژادی جمعیت در کشورهای آسیایی هم بسیار متنوع و پیچیده است، همچنان اکثر کشورهای اسلامی از جمله کشورهای چند قومی است به نحویکه تنوع قومیتی در بعضی از کشورهای مثل اوگاندا و افغانستان به بیش از ۲۰ گروه قومی می‌رسد. یکی از دلایل مهم این تنوع قومی، مرزبندی‌های سیاسی است که توسط کشورهای استعمارگر در سده‌های قبل در این مناطق به وجود آمده است. تنوع قومی می‌تواند پیامد منفی را با خود به همراه داشته باشد، گاهی جوامع چند قومیتی با مشکلات زیادی از قبیل تبعیض‌ها، نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی، تعصبات و حتی جنگ‌ها؛ دست و گریبان می‌شود.

اما اگر اسلام به عنوان هویتی برتر و فراتر از دسته‌بندی‌های قومی، نژادی و زبانی مطرح شود [چنانچه شایسته و بایسته مسلمانان هم همین است، زیرا هویت مشترک همه مسلمانان عقیده اسلامی، قرآن و سنت است] بطوری که اقوام مختلف بتوانند با توسل به عدالت اسلامی در چارچوب سیاسی و اقتصادی مشترک زندگی کنند، در این صورت تنوع قومیتی سبب رفاه و توسعه‌ی خوبتر جوامع چند ملیتی خواهد شد. (الندوی، ۱۴۴۴، ص ۳۶۴).

ثروت‌های معدنی در جهان اسلام: جهان اسلام با وسعت گسترده و سرزمین‌های مختلف و آب و هوای خویش دارای ثروت‌های معدنی مختلفی نیز می‌باشد.

معادن از جمله‌ی مهم‌ترین زیرپایه‌های اقتصاد و بزرگ‌ترین پشتوانه‌های استراتژی جهانی شمرده می‌شوند، زیرا جهان به شکل مستمر به تمام انواع این معادن احتیاج مبرم دارد، و خوشبختانه جهان اسلام از لحاظ ثروت‌های معدنی کاملاً غنی و خودکفا است و میتوان گفت که در کل جهان به استثنای سرزمین جهان اسلام، هیچ منطقه‌ای نیست که در آن همه معادن، انرژی و مواد خام وجود داشته باشد. (حران، ۱۴۲۲هـ.، ص ۲۵). سرزمین اسلامی با داشتن این ویژگی‌ها، سبب حسادت دیگران شده و در طول تاریخ دلیلی شده بر طمع استعمارگران.

جهان اسلام در حال حاضر جایگاه تجارتمندی مهمی در صادرات معادن و مواد خام دارد و در صورتی که همه کشورهای اسلامی توانایی ایجاد فابریکه‌های صنعتی را پیدا کند هیچ منطقه‌ای توان رقابت با آنان نخواهد داشت.

تنوع ثروت معدنی در جهان اسلام قرار ذیل است:

نفت خام: نفت خام یکی از منابع اصلی تأمین انرژی و محصولات پتروشیمی محسوب می‌شود که نقش کلیدی در اقتصاد جهان را به عهده دارد، در سال ۲۰۱۷، کل کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی ۵۸٫۶ درصد کل نفت جهانی را صادر نموده و نیمی از ذخایر جهانی اثبات شده نفت خام در ۶ کشور جهان اسلام به ترتیب: عربستان سعودی، ایران، عراق، کویت،

امارات متحده عربی ولیبی قرار دارد. (شاکر، ۱۹۸۸م، ص ۱۸۸-۲۲۰). و حدوداً ۶ در صد ذخایر نفت خام در اختیار کشورهای اسلامی قاره آفریقا یعنی لیبی و نیجریه قرار دارد. (SESRIC)، ۱۳۹۷ش، ص ۲).

گاز طبیعی: یکی از منابع مهم انرژی گاز طبیعی می باشد، بر اساس معلومات سال ۲۰۱۷، از کل ذخایر اثبات شده جهانی گاز ۵۸ در ان متعلق به کشورهای اسلامی است که حدود ۴۴ در صد آن تنها در ۶ کشور فوق الذکر قرار دارد. (راه نجات، ۱۳۹۸، ص ۳۴).

نفت خام و گاز طبیعی که به نام طلای سیاه معروف است در رشد اقتصاد کشورهای خلیج عربی زیاد مؤثر بوده تا اینکه این معادن بحیث پشتوانه قوی برای جایگاه استراتژی، اقتصادی، تمدنی و سیاسی همین مملکت ها شمرده می شود.

معادن کیمیاوی: که بیشتر در صنعت کیمیاوی مانند کودها، چربی ها، کاربنات، پوتاسیوم، فسفر، انواع نمک ها، کبالت، منگنیز و هیماتیت. (الواعی، ۱۴۰۰، ص ۲۳).

معادن فولاد: مهمترین معادن فولاد در سرزمین جهان اسلام عبارت است از: آهن، مس، قلع، سرب، آلومینم، کروم، تیتانیوم و فانیدیم. (الواعی، ۱۴۰۰، ص ۲۳). و (شاکر، ۱۹۸۸م، ص ۲۲۷-۲۴۹).

معادن مواد ساختمانی: منظور از این معادنی است که فلزات نباشد مثل سنگ مرمر، گرانیت، گچ، بازالت، ریگ، آهک، سفال، چینی، گرافیت، سیلکا و سمنت. (الواعی، ۱۴۰۰، ص ۲۳-۲۴).

معادن قیمتی: مانند طلا، نقره، الماس، پلاتین، زمرد و مروارید، نیز از معادنی است که در سال های اخیر در کشور های جهان افزایش چشمگیری داشته است. (الواعی، ۱۴۰۰، ص ۲۴).

معادن ذغال سنگ: ذغال سنگ یکی از منابع مهم انرژی و مواد اولیه صنعتی است که در تولید انرژی، صنایع فولاد و آهن، صنایع شیمیایی و صنایع سیمان و سرامیک و گرمایش منازل از آن استفاده به عمل می آید؛ با توجه به این موارد، ذغال سنگ در توسعه صنعتی و اقتصادی کشورها نقش حیاتی دارد، به ویژه در کشورهایی که منابع نفت و گاز محدود دارند یا می خواهند که به هزینه کمتر تولیدات داشته باشد.

کشورهای عضو سازمان همکاری ها اسلامی عمدتاً ذخایر ذغال سنگ محدودی دارند، اما برخی کشورها مانند: ترکیه، و کشور های مشترک المنافع خاور میانه، ایران پاکستان و افغانستان از بزرگ ترین تولیدکننده ذغال سنگ در میان کشورهای اسلامی می باشد و می توان گفت که نیازمندی

خود جهان اسلام به آن برآورده می‌شود؛ از سوی دیگر ذغال سنگ به تناسب نفت و گاز در رده پایین محسوب می‌شود (شاکر، ۱۹۸۸م، ص ۱۸۳-۱۸۷).

با اینکه تحقیق حاضر به طور عموم از ثروت معدنی جهان اسلام صحبت می‌کند و افغانستان که جز سر زمین وسیع جهان اسلام تلقی می‌شود نیز در ثروت معدنی جایگاهی مناسبی در اختیار دارد و معادن چون، طلا، الماس، نقره، زمرد، لاجورد، آهن، مس، المونیم، سرب، منگنیز، فسفر، قلع، گاز طبیعی، نفت خام، سنگ مرمر، فیروزه، سنگ زغال، گرانیت، گچ، آهک، نمک سایر معادن فولادی، کمیای و نفتی به حد لازم دارد که تا کنون استخراج اکثریت این منابع آغاز هم نشده. (شاکر، ۱۹۸۰م، ص ۱۰۱-۱۰۲).

خلاصه بحث اینکه جهان اسلام سراسر پر از نعمت‌های الهی است، همین کافی که بدانیم کشور های اسلامی حدود ۲۲٪ مساحت ربع مسکون کره زمین را در اختیار دارد (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۷۳). و بیش از ۲۳،۸٪ یعنی بیش از ۱،۷۹ میلیارد جمعیت دارد که نسبت جمعیت جوان در آن نسبت به سایر جهان بیشتر است (SESRIC)، ۱۳۹۷ش، ص ۲). و ۷۲٪ از پترول مورد نیاز همه دنیا در اختیار مسلمانان است (الواعی، ۱۴۰۰، ص ۲۴). و ۵۸،۶٪ از کل ذخایر نفت خام دنیا، متعلق به این کشور های اسلامی است (SESRIC)، ۱۳۹۷ش، ص ۲). که در صورت وحدت و همگرایی، اتحاد و همبستگی؛ ممکن است که جهان اسلام را به یک قدرت بی بدیل در عرصه بین الملل مبدل سازد.

محصولات زراعتی: با در نظر داشت مساحت وسیع زراعتی در سرزمین اسلامی و همچنین رودخانه‌ها و آب های زیر زمینی آن؛ بخش زراعت و دهقانی در جهان اسلام یک امتیاز مهم تلقی می‌شود و باعث استقلال اقتصادی و خودکفایی داخلی در زمینه حیوانات، میوه ها، سبزیجات، پنبه، چای، کاکو و اشجار پنداشته می‌شود. (شاکر، ۱۹۸۸م، ص ۶۵-۱۴۸). و از جمله ۲۰ کشور برتر تولید محصولات کشاورزی در جهان حتماً ۵ الی ۱۰ کشور آن در بخش های مختلف از کشورهای عضو سازمان همکاری های اسلامی می‌باشند. (SESRIC)، ۱۳۹۷ش، ص ۵).

بطور مثال در بخش کشت و محصولات گندم کشور های ازبکستان، مصر، ایران، قزاقستان، ترکیه و پاکستان در لیست ۲۰ کشور برتر جهان محصول گندم می‌آید. و در بخش محصولات برنج کشورهای نیجریه، مصر، پاکستان، بنگلادش و اندونزی در لیست ۲۰ کشور برتر جهان می‌باشد. طوریکه در بخش جواری ۱۰ کشور برتر جهان از کشورهای سازمان همکاری های اسلامی می‌باشند. (SESRIC)، ۱۳۹۷ش، ص ۵).

در کشور عزیز ما افغانستان با اینکه تنها ۱۹٪ از کل مساحت زمینی آن قابل زراعت است مگر با این هم به سبب آب و هوای مناسب از جمله‌ی کشورهای زراعتی تلقی می‌شود و ۸۰٪ باشندگان آن

مصروف شغل زراعت و دهقانی بوده که از محصولات زراعتی آن گندم، جو، جواری، برنج، پنبه، نی شکر، و انواع سبزی ها، میوه ها بویژه سیب، انگور، انار، بادام، پسته، جنغوزه و امثال آن می باشد. (شاکر، ۱۹۸۰م، ص ۱۰۰-۱۰۱).

درخرما و زیتون و سایر میوه‌ها هم جهان اسلام از جمله کشور های برتر می‌باشد. از سوی دیگر، فراوانی چراگاه‌ها زمینه ساز ثروت حیوانی شده و این ثروت باعث تولید شیر و لبنیات نیز می‌شود که در صورت همگرایی و وحدت میان امت اسلامی نتیجه ملموسی خواهد داشت.

موقعیت مناسب برای گردشگری و سیاحت: گردشگری یکی از شاخه‌های مهم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهان امروز است که علاوه بر ایجاد درآمد و اشتغال، زمینه تبادل فرهنگی، آشنایی با تمدن‌ها و حفظ میراث تاریخی را فراهم می‌کند. سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) آن را ابزاری برای توسعه پایدار، رشد اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی می‌داند. این صنعت پس از نفت و معدن، از منابع درآمد مطمئن و کم هزینه محسوب می‌شود.

جهان اسلام با برخورداری از ژئوکالچر متمایز، آثار تاریخی، مذهبی و فرهنگی غنی و این که مهمد تمدن بشری بوده و مبعث انبیای الهی است و آب و هوای مناسب؛ ظرفیت بالایی برای گردشگری دارد، از شهرهای باستانی عربستان، بغداد، دمشق و افغانستان گرفته تا جاذبه‌های طبیعی و مذهبی که میلیون‌ها زائر و گردشگر را جذب می‌کنند. با این حال، گردشگری در بسیاری از کشورهای اسلامی هنوز توسعه نیافته و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و معرفی گسترده میراث تاریخی و طبیعی است. (افشاری آزاد، ب، تا، ص ۱۲۲-۱۲۴).

مناقشه

در تحقیقات معاصر، جهان اسلام دو رویکرد غالب قابل شناسایی است که هر یک از زاویه‌ی خاص به تحلیل و وضعیت این جهان می‌پردازند. رویکرد نخست، که می‌توان آن را رویکرد بحران‌محور نامید؛ تمرکز اصلی خود را بر کاستی‌ها، چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌روی جهان اسلام معطوف ساخته است، در این چارچوب، مسائلی چون عوامل اصلی افول و انحطاط مسلمانان از قبیل پشت سر گذاشتن احکام دین مبین اسلام در عرصه زندگی، ترک جهاد، عدم توجه به علم و فناوری، نبود آمادگی لازم برای مقابله با دشمن، تفرق سیاسی، وابستگی اقتصادی، حاکمیت زیر سلطه استعمار و منازعات داخلی؛ برجسته می‌گردد. مدافعان این رویکرد بر این باورند که آگاهی بهتر نسبت به این بحران‌ها می‌تواند زمینه بیداری امت مسلمة و بازگشت به هویت اصیل شانرا فراهم سازد. (المصری، ۱۹۹۶م، ص ۴۰-۶۵). و (جریشه، ۱۹۸۹م، ص ۴۱-۱۸۹).

در مقابل، رویکرد دوم بر ظرفیت‌های بالقوه جهان اسلام تأکید می‌کند. این دیدگاه با اشاره به گستره جغرافیایی پیوسته، منابع عظیم انرژی، موقعیت‌های ژئوپولیتیک راهبردی، جمعیت جوان و سرمایه‌های فرهنگی-عقیدتی مشترک، جهان اسلام را واجد توانمندی‌های ساختاری برای تبدیل شدن به یک قطب مستقل در نظام بین‌الملل می‌داند. بر اساس این تحلیل، تمرکز بیش از حد بر چالش‌ها، نوعی بازتولید گفتمان ضعف تلقی می‌شود و آنچه ضرورت دارد، فعال‌سازی ظرفیت‌های موجود می‌باشد که در سال‌های اخیر در قلمرو جهان اسلام تلاش‌هایی برای تحقق این مأمول برخی ابتکارات منطقه‌ی و فرامنطقه‌ی مانند سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) اتحادیه عرب، طرح‌های مربوط به فدراسیون‌های عربی، و سازمان همکاری‌های اسلامی صورت گرفته؛ با وجود اهمیت سیاسی و نمادین این سازوکارها، کارنامه عملی آنها نشان می‌دهد که هنوز به سطح مطلوبی از انسجام و کارایی ساختاری دست نیافته‌اند. (فرهادی، ۱۳۹۸، ص ۵۶۱).

با این حال، هر دو رویکرد با کاستی‌های نظری مواجه‌اند. رویکرد بحران‌محور، هرچند در تشخیص آسیب‌ها دقیق است، اما غالباً فاقد ارائه سازوکار عملی و سیستماتیک برای عبور از وضعیت موجود است و گاه ناخواسته به تزییق احساس ناتوانی جمعی می‌انجامد. از سوی دیگر، رویکرد ظرفیت‌محور، گرچه به عناصر عینی قدرت بالقوه توجه دارد، اما در مواردی به نوعی خوش‌بینی آرمان‌گرایانه دچار می‌شود و از تحلیل دقیق موانع و ضعف‌های موجود غفلت می‌ورزد. صرف بیان نکات قوت، بدون طراحی سازوکارهای نهادی و مدیریتی برای بهره‌برداری از آنها، نمی‌تواند به راه حل پایدار منجر گردد.

راه‌حل کارآمد این است که صرفاً به توصیف بحران‌ها و نیز به شمارش توانمندی‌ها اکتفاء نکنیم، بلکه راه حل مناسب و کارآمد جستجو کنیم و آن صرفاً همان راهی است که الله متعال در کلام ازلی اش و پیامبر اسلام در سنت گران سنگ اش بیان فرموده است. قرآن کریم چارچوبی هویتی و راه حل اساسی برای وحدت ارائه می‌کند که فراتر از ترتیبات صرفاً نمادین است. طوریکه می‌فرماید: *«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»* [آل عمران: ۱۰۳] ترجمه: و چنگ افکنید برسن خدا همه شما و پراکنده مشوید. همچنین می‌فرماید: *«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»* [الأنبياء: ۹۲] (ترجمه: هر آینه این است دین شما یک دین و من رب شمایم پس پرستش کنید مرا). این آیات متبرکه بر یگانگی هویتی و غایت‌مندی توحیدی امت تصریح دارد.

در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نیز، پیوند ارگانیک جامعه ایمانی چنین توصیف شده: *(عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ، وَتَرَاحُمِهِمْ، وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى) القشيري، ب، تا،*

ج ۴/ص ۱۹۹۹). ترجمه: از نعمان بن بشیر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که گفت: رسول خدا صلی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مثال مؤمنان در دوستی با یکدیگر، مهربانی نسبت به هم، و همدردی میان‌شان، همچون پیکر واحدی است؛ هرگاه عضوی از آن به درد آید، سایر اعضای بدن با بی‌خوابی و تب با آن همدردی می‌کند.

بر این اساس، راه حل کارآمد برای وحدت و همگرایی جهان اسلام و اینکه قدرت بالقوه آن به قدرت بالفعل تبدیل شود آنرا صرفاً می‌توان در «بازگشت آگاهانه به هویت مشترکِ امت» جست‌وجو کرد؛ هویتی که بر محور عقیده توحیدی، ولاء و براء ایمانی و مسئولیت جمعی شکل می‌گیرد. تحقق چنین آرمان، مستلزم عبور از تفرق و تمزق به سوی همگرایی هدفمند، و وحدت تأثیرگذار میان جوامع مسلمانان است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این تحقیق نشان می‌دهد که جهان اسلام یک واقعیت چندبعدی است و نمی‌توان آن را از یک زاویه واحد تحلیل کرد؛ بلکه این جهان از منظرهای جغرافیایی، حقوقی، فقهی و فرهنگی قابل شناسایی و دسته‌بندی است.

تحلیل مؤلفه‌های قدرت بالقوه جهان اسلام بیانگر آن است که عوامل طبیعی و اقتصادی (مانند منابع انرژی و موقعیت‌های ستراتژیک)، سرمایه انسانی به‌ویژه جمعیت جوان و توان علمی، ارزش‌های مشترک عقیدتی، اجتماعی و فرهنگی، و نیز ظرفیت گسترده گردشگری تاریخی و مذهبی، همگی زمینه‌های مهم توانمندسازی این جهان را تشکیل می‌دهند.

تحقق وحدت و فعلیت‌یافتن قدرت بالقوه جهان اسلام و استفاده هدفمندانه از این امکانات، در گرو بازگشت آگاهانه به هویت واحد امت و التزام عملی به همبستگی اسلامی و تقویت دیپلماسی و سیاست‌های مشترک بین کشورهای اسلامی است.

پیشنهادات تحقیق حاضر را در نکته‌های ذیل تحریر می‌داریم:

۱. پوهنتون‌ها و مراکز تحقیقاتی، در کنار بررسی چالش‌ها، ظرفیت‌ها و مزیت‌های ژئوپولیتیکی جهان اسلام را نیز به‌گونه متوازن تحلیل نمایند.
۲. همکاری‌های علمی مشترک، همایش‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی میان کشورهای اسلامی تقویت گردد.
۳. نخبگان، علما، دعوت‌گران و استادان برای آگاهی عمومی، تحکیم هویت اسلامی و کاهش اختلافات نقش فعال را ایفا کنند.

منابع

قرآن کریم

- ابن الهمام، ک. م. (ب، ت) شرح فتح القدير على الهداية شرح بداية المبتدي، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابو الفضلي، ح. (۱۳۸۳ش). همگرایي جهان اسلام، آسیب‌ها و راهبردها، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
- ابو زهرة، م. (۱۴۱۵هـ). العلاقات الدولية في الاسلام، القاهرة: دار الفكر العربي.
- الإسكندراني، م. (۲۰۱۸م). محاضرات في حاضر العالم الإسلامي، بيروت: كلية الإمام الأوزاعي للدراسات الإسلامية.
- اسلام نیا، ف. (۱۳۹۶) تاریخ گسترش اسلام در جهان از عصر پیامبر تا به امروز، ایران: انتشارات احمد جام.
- افشاری آزاد، آ. ع. و پیری، س. (ب، تا) توسعه پایدار و اشتغال در گردشگری روستایی نمونه موردی شیلات پالنگان- فصلنامه فضای گردشگری، ۳(۱۰)، ۱۲۱-۱۴۶. www.SID.ir
- افندی، ع. (بی تا). تحفة الأنام مختصر تاریخ الإسلام، بيروت: شعبة معارف.
- بختیاری، س. و دیگران. (۱۳۹۷ش). اطلس جامع گینا شناسی نوین، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی.
- جریشه، ع. (۱۹۸۹م). حاضر العالم الإسلامي، المدينة المنورة: دار المجتمع للنشر و التوزيع.
- الجصاص، أ. ر. (۱۴۳۱هـ). شرح مختصر الطحاوی، دمشق: دار البشائر الإسلامية.
- حران، تاج السر أحمد. (۱۴۲۲ق). حاضر عالم الإسلامی، الرياض: إیشیلیا للنشر و التوزيع.
- راه نجات، م. (۱۳۹۸ش). تحلیل تکافت اقتصاد سیاسی کشورهای عضو سازمان همکاری های اسلامی، تهران: موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.
- شاکر، م. (۱۹۸۰م). افغانستان، بيروت: المكتب الاسلامی، الطبعة الخامسة.
- شاکر، م. (۱۹۸۸م). اقتصادیات العالم الاسلامی، بيروت: المكتب الإسلامی، الطبعة السادسة.
- صفوی، ی. (۱۳۸۷ش). وحدت جهان اسلام: چشم انداز آینده، ایران: انتشارات شکیب.
- صمیم، ع. (۱۳۹۴ش). تمدن اسلامی، هرات: انتشارات قدس.
- عادل، حداد و دیگران (۱۳۷۵ش). دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- القرضاوی، ی. (۲۰۰۳م). الخائض العامة للإسلام، القاهرة: مكتبة وهبة.
- القشيري، م. (ب، تا). صحیح مسلم، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- الکاساني، ع. أ. (۱۹۸۶م). بدائع الصنائع في الترتيب الشرائع، بيروت: دار الكتب العلمية.
- لکنوی، ع. (۱۴۳۷ق). زندگی نامه خلفای راشدین
- SESRIC. (۱۳۹۷ش). مرکز آموزشی و تحقیقاتی آماری اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی. (۱۳۹۷ش). چشم اندازها و چالش های کشور های عضو سازمان همکاری اسلامی، (چشم انداز SWOT ۲۰۱۸م)، مترجم: سید حمزه صفوی، تهران: موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.

- المصري، ج.ع. (١٩٩٦م). حاضر عالم الاسلامى وقضايا المعاصرة، عمان: دار ام القرى.
- مير ترابي، س. (١٣٩٠). مسايل توسعه جهان اسلام، تهران: انتشارات پوهنتون امام صادق.
- الندوى، أ.ع. (١٤٤٤هـ). ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمين، دمشق: دار ابن كثير، الطبعة التاسعة.
- الهريدي، ف.ع. (٢٠١٠م). حاضر العالم الإسلامى، إسكندرية: العلم والإيمان للنشر والتوزيع.
- الواعى، ت. (١٤٠٠ ش). جهان اسلام در عصر حاضر (دردها - آرزوها)، مترجم: مسعوده جامى، كابل: انتشارات رسالت.